

دریچه

لیبی پس از قذافی جدال شیوخ و سیاستمداران مصطفی الفیتوری

■ در تاریخ ۲۵ژانویه گذشته شورای انتقالی لیبی قانون مربوط به انتخابات را تدوین کرد.قرار است این انتخابات در ماه ژوئن آینده برگزار شود.قانون مذکور در جلسه‌ای تصویب شد که گفته می‌شود اکثر اعضای شورا حضور نداشتند، بگذریم که اکثر اعضای این شورا همچنان ناشناس مانده‌اند؛ شورایی که یک سال از تاسیس آن می‌گذرد و به عنوان یک رهبری جمعی شوروش مردم لیبی را که در نهایت به سرنگونی سرهنگ قذافی و کشته شدن او انجامید، رهبری کرد.

با وجود اینکه شورای انتقالی پیش‌نویس این قانون را مطرح کرد تا مردم درساره آن بحث کنند و از همه لیبی‌های خواست دراین‌باره نظرشان را اعلام کنند اما در نهایت آنچه را خود مناسب می‌دید تصویب کرد و تمام اصلاحاتی را که از سوی اقشار مختلف مردم مطرح شده بود کنار گذاشت. تنها در این میان به اصلاحاتی توجه شد که گروه‌آخوان‌المسلمین پیشنهاد داده بود. این قانون مملو از عیب و نقص است و مهم‌ترین عیبش اینک‌ه در خدمت یک گروه سیاسی و اجتماعی معین است و بقیه گروه‌های جامعه را نادیده گرفته‌است. در این قانون حق زنان به طرز هوشمندانه‌ای حذف شده و کثرت‌گرایی فکری ملغی شده‌است اما همه اینها در یک کارگردانی ماهرانه به نحوی صورت گرفته‌است که باسختگوی نیازهای صحنه سیاسی اکنون کشور و نیز طرف‌های خارجی باشد که بر برگزاری یک انتخابات آزاد تأکید می‌ورزند.فحنی البعجه یکی از اعضای شورای انتقالی در مصاحبه‌ای اخیرا گفت این قانون در نشستی به تصویب رسید که بارها به تعویق افتاده بود و اکثریت اعضا نیز نمی‌دانستند موعد نهایی آن چه زمانی است. وی همچنین اعتراف کرد تنها گروه سیاسی فعالی که در پارلمان آینده اکثریت را به دست خواهد گرفت «جامعات اخوان‌المسلمین»(لیبی‌است.

مطابق قانون انتخابات، پارلمان جدید مرکب از ۲۰۰ کرسی‌است که دوسوم آنها به فهرست‌های مشترک انتخاباتی (یعنی ائتلاف‌های سیاسی) اختصاص دارد و یک‌سوم باقی‌مانده به مستقل‌ه‌ا مسالهای که باید گفت فرصت مستقل‌ها و در کنار این‌ها فرصت زنان نادیده گرفته شده‌است و این عیب بزرگی برای این قانون خواهد بود. زیرا ائتلاف‌های سیاسی را بر نهادهای سیاسی از جمله احزاب ترجیح داده‌است و نشان می‌دهد که دسترسی هر نهاد سیاسی خارج از این ائتلاف‌ها به قدرت بسیار دشوار خواهد بود. کماینکه قانون پیشنهادده میزان یکصدمی را که برای حضور زنان اختصاص داده شده بود لغو کرده و به جای آن شرط کرد ائتلاف‌های سیاسی باید تعداد نامزدهایی را که معرفی می‌کنند از نظر جنسیت (زن و مرء) برابر باشند. یعنی خواستهای تقریبا غیرممکن در یک جامعه قبایلی که مردان بر همه امور آن تسلط دارند و زن شلش‌ قابل‌ذکری برای کسب حقوق خود به‌خصوص در این مرحله انتقال‌ندارد.

کماینکه در این قانون شرط دیگری لغوشده‌است که درواقع خواست‌های مردمی بود.یعنی ممنوع کردن کسانی برای نامزدی که دارای دو گونه تابعیت باشند. این البته هیچ تععبی ندارد زیرا اکثر رهبران گروه‌اخوان‌المسلمین لیبی دارای تابعیت دوگانه به‌خصوص از دولت قطر هستند. در مقابل این، آن تعداد گروه‌های از کسان محروم شده‌اند که دارای توانمندی‌های سیاسی بودند و به دلیل اینکه در کمیته‌های انقلابی دوران قذافی عضویت داشتند از حضور در انتخابات محروم خواهند بود. حال آنکه در بین آنها افراد ملی‌گرای مشهوری هستند که اصلا دست به اقدامات خشونت‌آمیز نزده بودند. به نظر می‌رسد این اقدام هوشمندانه‌ای از طرف گروه‌های اسلام‌گرا بوده باشد تا بتوانند به این وسیله کسانی را که به افکار آنها اعتقادی ندارند از صحنه خارج کنند. کمیته‌های انقلابی گذشته در واقع تنها نهاد سیاسی آمده و سازمان‌یافته‌ای بود که می‌توانست در انتخابات آینده به رقابت با آنها برخیزد. حال آنکه بیشتر رهبران این کمیته‌ها یا بازداشت شده یا کشته یا تبعید شده‌اند.

نکته قابل توجه اینکه لیبیایی‌ها اساسا چیزی از یک انتخابات آزاد نمی‌دانند و سابقه ندارد که در طول چهار دهه گذشته رأیی داده باشند. رژیم گذشته احزاب سیاسی را به رسمیت نمی‌شناخت و تشکیل یا عضویت در آنها را جرم می‌دانست. از این رو بخش اعظمی از مردم لیبی معنای انتخابات را درک نمی‌کنند و نمی‌دانند حقوق انتخاب‌کننده یا انتخاب‌شونده چیست. آنها معنای تبلیغات سیاسی را درک نمی‌کنند و نمی‌دانند که یک نماینده چه مسوولیت‌هایی را برعهده خواهد داشت.

این میزان از فقر سیاسی هرگونه روند رأی‌گیری را به یک بازی صرف تبدیل می‌کند که از آن فقط افراد مجرب و ماهر یا کسانی که از نظر قبایلی مورد حمایت هستند و شیوخ قبایل یا شیوخ مساجد به آنها توجه‌شان می‌دهند استفاده می‌کنند. انتخابات پارلمانی در مصر و تونس حتی درحالی‌که به تعویق افتاد نتیجه‌اش مجالسی قانون‌گذاری شد که اسلام‌گرایان برآن تسلط یافتند. انتخابات در لیبی هم به عنوان سومین کشوری که در آن رژیم‌های دیکتاتوری سرنگون شد امیزای از همین‌ها خواهد بود. تنها مشورت مشترک بین روسای قبایل و شیوخ مساجد دین است و گرنه در همه چیز آنها با هم اختلاف دارند. این وضعیت موجب می‌شود تا مرحله انتقالی در لیبی بسیار دشوارتر از دو کشور سابق یعنی مصر و تونس باشد. با توجه به اینکه اکثر لیبیایی‌ها را جوانان پرشور و علاقه‌مند به افراط‌گرایی تشکیل می‌دهد و نیز با توجه به وفور اسلحه و دسترسی آسان به آنها این نگرانی نیز وجود دارد که به‌خصوص به دلیل فقدان یک قدرت مرکزی کارآمد انتخابات آینده به تصفیه‌حساب‌های خونین تبدیل شود.

منبع:الحیات



مردم در یک تظاهرات در تونس، یک پوستر را برافراشته‌اند که می‌گوید: «بله، ما می‌خواهیم یک دولت مدنی داشته باشیم».

موجی از سلفی‌گری نیروهای سکولار و آزادی‌های مدنی تونس را تهدید می‌کند. این جریان در حالی شکل می‌گیرد که دولتی ائتلافی به رهبری حزب اسلام‌گرای النهضة کشور را اداره می‌کند و با تدوین قانون اساسی جدید می‌رود تا زمینه را برای برگزاری انتخابات پارلمانی آینده فراهم کند. پرونده جریان‌های سلفی‌گری با انواع گرایش‌های آن از علم‌گرا تا جهادی‌ها رفتاررفته در تونس می‌رود که به یک بحث سیاسی روز تبدیل شود. دیدار خطیبی سلفی و مصری به نام وجدی غنیم از تونس میزان رشد این جریان را نشان داد و همچنین میزان نزدیکی برخی از آرای آنها را با جریان النهضة آشکار کرد. پس از یک دوره مخفی کاری و پیگرد بیش از دو هزار نفر از اعضای این جریان که به موجب قانون مبارزه با تروریسمم در دوران سابق اتفاق افتاد، اکنون سران جریان سلفی تونس احساس راحتی و آزادی بیشتری کرده و در مساجد فعال شده‌اند. در دوران موسوم به «بهار عربی» ستاره اقبال اسلام‌گرایان صعود کرد و بحث‌های درون گروهی این جریان‌ها را آفتابیی کرد. در بیرون از مسجدها تاریخی الژیتونه در یک منطقه قدیمی در وسط پایتخت پیاده‌روها مفروش شده و ده‌ها نفر از نظریه‌پردازان جریان سلفی مشغول بحث و گفت‌وگو هستند. در بین کالاهایی که در اطراف فروخته می‌شود، می‌توان سسی‌دهی‌ای را پیدا کرد که به قیمت‌های نازلی فروخته می‌شود و عنوان «علمای غنور» و «کیف‌المجاهد» یا «صبح پیروزی نزدیک است» روی آنها حک شده‌است. همچنین تراکت‌ها و جزوه‌هایی پخش می‌شود که خطر اینترنت را برای جوانان گوشزد می‌کند و نسبت به حجاب زنان توضیح می‌دهد. این اتفاقات در کشوری می‌افتد که نیم‌قرن پیش برابری حقوق زنان و مردان را تصویب کرد. در تاکسی‌ها رانندگانی در حال هنوز کلاه‌های با ماساک خارجی دارند تراکت‌های تبلیغاتی حزب ممنوع‌شده‌التحریر را که خواستار تشکیل یک خلافت اسلامی در تونس است پخش می‌کنند. گسترش فعالیت سلفی‌ها را در شبکه‌های اجتماعی در فیس‌بوک نیز می‌توان مشاهده کرد. به طوری که از این طریق سعی می‌کنند جوانان را جذب کرده و فتاوی شیوخ سلفی را که اکثر آنها در خارج از تونس هستند به بحث و مشاجره بگازند. در برابر دانشکده ادبیات دانشگاه المنوبه در نزدیک تونس سلفی‌ها به این دلیل دست به اعتصاب زنده که مقامات را وادار کنند تا فقط به زنان با پوشش نقاب اجازه ورود به اتاق‌های تدریس داده شود. زیرا دادگاه اداری تونس با صدور حکمی پوشش نقاب در طول تدریس یا امتحانات را ممنوع کرده بود. یکی از اعضای هیات مدرسان این دانشگاه می‌گوید: سلفی‌گری و افراط‌گرایی دینی به سرعت در حال رشد‌است و دولت هم با این جریان همراهی می‌کند. به‌خصوص اینکه حزب النهضة از هم‌اکنون چشم به انتخابات آینده دوخته‌است و از این رو نمی‌خواهد با سلفی‌ها رودرو شود. این دانشگاهی می‌افزاید: آنها نقش‌ها را بین خود تقسیم کرده‌اند سلفی‌ها احساس می‌کنند فرصتی دست داده

است تا به سرعت جامعه را مسلمان کنند و اعضای النهضة هم درصدد همین کار اما به تدریج هستند. آنها می‌خواهند از طریق نهادهای رسمی و دولتی و وزارتخانه‌ها دست به این کار بزنند. وی با ابراز نگرانی خود و دوستانش می‌گوید: نگرانی ما به دلیل افزایش برخورد‌های خشونت‌آمیزی‌است که هم‌اکنون بین جریان سکولار و جوانان مدرنیست از یک طرف و جریان‌های دینی و سلفی که به آزادی فعالیت می‌کنند از طرف دیگر است.

در مقابل این افراد، سلفی‌ها انتقاد کرده و می‌گویند: رسانه‌های گروهی و نیروهای سکولار و چپ دارند این مساله را بزرگ می‌کنند تا مردم را از اسلام‌گرایان بترسانند. یکی از فعالان این جریان می‌گوید: ما طرفدار خشونت نیستم ولی آنها سعی می‌کنند با تمسخر دین ما را به این سمت سوق دهند. ما به شیوه مسالمت‌آمیز خود ادامه خواهیم داد. اما این اظهارات نمی‌تواند جریان‌های چپ و سکولار در تونس را قانع کند. تحلیلگران تعداد طرفداران جریان‌های سلفی در تونس را حدود ۲۰ هزار نفر برآورد می‌کنند اما خود فعالان این جریان تعداد طرفداران‌شان را بسیار بیشتر از این می‌دانند.

میکروپ

سفر وجدی غنیم به تونس که یک خطیب زن مصری است میزان رشد و نفوذ جریان سلفی‌ها را نشان داد. وی گفت که در مساجد تحت مدیریت وزارت اوقاف تونس که وزیرش یکی از اعضای النهضة است سخن می‌گفت ملت را به دو گروه کافر و مسلمان تقسیم کرد و طرح مساله افراط‌گرایی دینی را مورد تمسخر قرار داد. در عوض زدن زنان و ختنه کردن آنها را مجاز شمرد و گفت که حتی می‌شود در برابر دولت قیام مسلحانه کرد وی همچنین حاکمیت مردم را کفر و گمراهی دانست و آزادی‌های شخصی را باطل و فاسد شمرد و گفت می‌توان کسی را که از آزادی دینی دفاع می‌کند حد شرعی زد. نکته جالب اینکه حبیب‌اللوز معاون مجلس قانون‌گذاری تونس و یکی از رهبران حزب النهضة نیز او را همراهی می‌کرد؛ اعلامیه‌ای را که راشداالغنوشی رهبر این جریان نیز صادر کرد و در آن گفت مشکل در سخنان این فرد نیست بلکه در طرز انعکاس آن در رسانه‌هاست، مساله را پیچیده‌تر کرد. المنصف المرزوقی رئیس‌جمهور موقت تونس به همراه احزاب چپ و سکولار تونس در برابر این اظهارات ایستادند. اما دولت تونس (که در اختیار حزب النهضة است) هیچ‌گونه موضعی نگرفت. حتی یکی از وزرای وابسته به النهضة گفت در تونس آزادی بیان وجود دارد و هر کس‌ی از چپ تا راست به شرطی که پرونده جنایی نداشته باشد، می‌تواند نظریاتش را ابراز دارد. اما المرزوقی، غنیم و میزبان‌ش را در تونس «میکروپ» توصیف کرد و در پی این ماجرا بین سلفی‌ها



تظاهراتی در تونس در پی اعتراضات به حاکمیت سکولار و آزادی‌های مدنی.

و سکولارها تنش‌هایی بروز کرد و کسانی به نفع این یا آن جریان دست به تجمع زدند. چند روز بعد هم هزاران نفر در تظاهراتی بعد از نماز جمعه شرکت کرده و با بالا بردن پرچم‌های سیاه متعلق به حزب التحریر علیه رئیس‌جمهور و نیروهای سکولار شعار می‌دادند. آنها در شعارهای خود می‌گفتند: «وحدت، وحدت اسلامی بر ضد حمله سکولارها» یا «ای المنصف چه چیزی ترا خرفت کرده‌است؟ ما مسلمان هستیم نه میکروپ، میکروپ‌ها رسانه‌های وابسته به سکولارها هستند»

زید کریشن‌شان، سردبیر روزنامه المغرب می‌گوید: سفر وجدی غنیم بسیاری از چیزها را روشن کرد. نشان داد که سلفی‌ها تا چه حد رشد کرده‌اند و از چه سرمایه‌های مادی برخوردار هستند. کریشن‌شان چند هفته پیش مسایلی را در ارتباط با روستای سحجان فاش کرد و نوشت که گروه‌های اسلامگرا در این روستا در حال تشکیل یک امارت اسلامی هستند. همین مساله موجب حملات شدیدی علیه او شد که رسانه‌ها عمل آن را گروه‌های سلفی دانستند. عوامل متعددی به رشد جریان سلفی‌گری در تونس کمک کرده‌است. این جریان دو رویکرد متفاوت را بازتاب می‌دهد: یکی سلفی‌های علمی و دیگری سلفی‌های جهادی.

گروه نخست دعوتی مسالمت‌آمیز را مطرح می‌کنند و مراجه دینی آنها معتقدند علیه نظام حاکم نباید دست به عصیان زد. اما سلفی‌های جهادی اعتقاد دارند چون حاکمان از راه راست منحرف شده و به امور دین و مردم توجه نمی‌کنند، می‌توان علیه آنها سر به عصیان زد یا به زور آنها را سرنگون کرد.

پس از سال‌ها سرکوب و کنترل نمازگزاران مسلمان، اکنون این فرصت یافته‌اند تا با فراغ بال به عبادات خود بپردازند. از این رو شبه‌رازور تقریبا مساجد پر است و امانان سلفی از این فرصت، به‌خصوص هرج و مرجی است که پس از سرنگونی زین‌العابدین بن علی ایجاد شده‌است، استفاده کرده و با رفتن بر منابر به انتشار افکار خود می‌پردازند. در همین مساجد است که حلقه‌های دینی تشکیل شده و جوانان به سرعت به عضویت در آنها درمی‌ایند. جنبش النهضة از همین حلقه‌ها توانست استفاده کرده و در نخستین انتخابات پارلمانی دموکراتیک در تاریخ تونس به پیروزی رسد. پیروزی غافلگیرکننده سلفی‌ها در مصر به رفقای تونس‌ای آنها انگیزه جدیدی داد حال آنکه پیشتر سلفی‌ها از اساس مشارکت در دولت یا انتخابات را حرام می‌دانستند. جنبش النهضة به گفته پژوهشگران مسلمان سعی می‌کند با جریان‌های سلفی به خصوص گروه نخست برخوردی نداشته باشد و حتی آنها را به دلیل فضای آزاد و تحرکاتی که در بیسن جوانان دارد به خود جذب کند. درعین حال این جریان سعی می‌کند



تظاهراتی در تونس در پی اعتراضات به حاکمیت سکولار و آزادی‌های مدنی.

بین دو طیف سلفی‌های علمی و جهادی اختلاف انداخته و با شیوه‌های امنیتی گروه دوم را از عرصه خارج کند. اکثر احزاب و نخبگان سیاسی تونس در میزان قدرت وزارت کشور تونس که زیر نظر النهضة اداره می‌شود تردید دارند. العریضی مدیر این وزارتخانه سال‌ها زندان کشیده‌است و تلاش می‌کند نفوذ سلفی‌های جهادی را تا آنجا که می‌شود کم کند. در عین حال حرکت النهضة نمی‌خواهد طوری وانمود شود که با جریان سلفی‌ها دشمنی دارد.

چندی پیش العریضی اعلام کرد دو فرد مسلح که مرتبط با القاعده بوده‌اند در جریان درگیری با نیروهای امنیتی در منطقه صفاقس کشته شده‌اند.وی حتی از متلاشی کردن یک سازمان تروریستی خبر داد که قصد تاسیس امارت اسلامی در تونس را داشته‌اند. اما سیف‌الله بن حسین (بوعیاض) یکی از رهبران سلفی‌های جهادی با این نظر به مخالفت برخاست و کشته‌شده‌ها را «شهید» خواند. وی العریضی را متهم به ادامه راهبرد عبدالله القلال وزیر کشور زمان زین‌العابدین بن علی کرد. سلفی‌ها حتی گفتند عذرخواهی المنصف المرزوقی رئیس‌جمهور تونس را که نسبت به اظهاراتش بیان کرده بود، نمی‌پذیرند.

یک نگرانی دیگر

نگرانی مدرنیست‌ها در تونس این روزها بیشتر شده‌است. آنها نسبت به مقاصد واقعی نمایندگان جریان النهضة در پارلمان نیز تردید دارند زیرا قرار است آنها قانون اساسی جدید کشور را بنویسند. مسالهای که این نگرانی را دامن می‌زند اینک‌ه می‌گویند النهضة پس از به دست گرفتن قدرت، رفتارش تغییر کرده و در مجموع می‌کوشد جامعه را اسلامیزه کند. در یک اقدام بی‌سابقه چندی پیش علی العریضی وزیر کشور تونس نشریه «التونسیه» را توقیف کرد. دلیل این امر انتشار تصاویر منافی اخلاق عنوان شده بود زیرا در این مجله تصاویر یک بازیکن آلمانی تونس‌یت تبار به نام سامی خضیره و همسرش لینا کارک که متانکن مد است به چاپ رسیده بود. دادگاه دراین‌باره قانون جدید مطبوعات را که زندان را برای مسایل رسانه‌ای ممنوع می‌کند اجرا نکرد بلکه به قانون قدیم استناد کست و صاحبان رسانه چنین اقدامی را نوعی تصمیم سیاسی هدفمند در جهت محدود کردن آزادی بیان توصیف کردند. یکی از فعالان تونس‌ی می‌گوید: جامعه مسلمان و عرب تونس در ابتدای انقلاب یکپارچه بود. اما امروزه جامعه به دوپاره یا چندپاره سلفی و نهضتی و مسلمان و کافر و سکولار و لایک و چپ و غیره تقسیم شده‌است و این همان چیزی است که روند تحول دموکراتیک در تونس و تشکیل هویت سیاسی ما را خدشه‌دار می‌کند. وی سبختان را این طور خلاصه می‌کند: که مناسفانه ما از دیکتاتوری بن علی نجات یافتیم اما اکنون گرفتار دیکتاتوری احزاب شدیم؛ احزابی که هر روز به نام دین یا چیزهای دیگر شخصیت و هویت سیاسی ما را تکه‌تکه می‌کنند.

منبع:الحیات



که در بریتانیا بود و نیز در بخشی از زندگی‌اش در مصر، حجاب چهره را برداشته بود. او می‌گوید: اغلب خواستگاران دخترم برای خواستگاری به نزد شوهرم در زندان رفته‌اند و بعضی از دخترانم درس‌های‌شان را با پدرشان در ملاقات‌ها مرور می‌کردند.

منبع: العربیه

روزنه

زخم‌های در مان‌نشده لیبی

■ برخلاف تصویری که رسانه‌های غربی ارایه می‌دهند جنگ ناتو در لیبی ویرانی‌های کلان پدید آورده‌است. ۹۷۰۰ بمباران هوایی و فروریختن ۳۰ هزار بمب و ماه‌ها جنگ زمینی بخش عمده زیربنای این کشور را منهدم کرده یا به آن به شدت آسیب رسانده‌است. برخی از مناطق، ماه‌ها فاقد برق و آب بودند. وضع شهر سیرت که تا آخرین لحظه جنگ بر سر آن ادامه داشت از همه بدتر است. تقریبا بلافاصله پس از حمله به این شهر آب و برق آن قطع شد و هنوز هم به وضع سابق در نیامده‌است و ساعت‌ها برق قطع می‌شود. خطوط ارتباطی تلفن و اینترنت نیز در بسیاری از نقاط یا کار نمی‌کنند یا به صورت محدود می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. مجموع خسارات مادی ناشی از جنگ به ۳۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

در اثر فروریختن ساختار اقتصاد کشور بیش از نیمی از مردم بیکار شده‌اند. سازمان‌های امدادی با مشکل بی‌پولی روبه‌رو هستند زیرا سازمان‌های امدادی با این استدلال که پول‌های مسدود شده لیبی دیگر آزاد شده‌است و اینک لیبی خود به حد کافی پول دارد از ادامه کمک‌های انسانی به مردم لیبی خودداری می‌کنند. دولت موقت ادعا می‌کند که هنوز هم به میلیارد‌ها پول مسدودشده لیبی دسترسی کامل ندارد. ولی بنا به گزارش سرویس خبری سازمان‌ملل همکاریان سازمان‌ملل حدس می‌زنند علت این امر آن است که نه می‌توانند و نه می‌خواهند که این کار صورت بگیرد.

بسیاری از اهالی لیبی به علت ویرانی‌های شدید ناشی از جنگ یا نمی‌توانند به سر خانه و زندگی خود بازگردند یا از ترس خشونت‌های صاحبان جدید قدرت بازگشت‌شان ممکن نیست.

کمیسر سازمان‌ملل برای امور آوارگان در پایان سال گذشته شمار آوارگان داخلی لیبی را که در اردوگاه‌ها به سر می‌برند و باید مورد حمایت قرار گیرند ۱۷۰ هزار نفر اعلام کرد. بسیاری از آنها از سیرت (۶۰ هزار نفر)، تاوروقا (۳۵ هزار نفر) و بنسی (۳۰ هزار نفر) آمده‌اند. اهالی شهر تاورقا که اکثرا سیاهپوست هستند به این دلیل که از قذافی حمایت کرده‌اند اینک با نقسلاوت تمام از خانه و زندگی خود رانده شده‌اند. از آن زمان تاورقا شهری است غارت‌شده و خالی از سکنه. ولی عملیات انتقالی از شبه‌نظامیان مصرته به اینجا ختم نمی‌شود. به گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر روز ششم فوریه انتقامجویان به سرپناه موقتی که برای آنها در تریپولی برپا شده بود، حمله کردند و هفت نفر از پناهجویان آواره را به قتل رساندند از جمله سه کودک و دو زن را.

بنا به گزارش بیان مارتین، نماینده ویژه سازمان‌ملل برای لیبی وشمیترتبرین مساله فقدان امنیت است. او می‌نویسد: «در حال حاضر حفظ نظم و اجرای قانون در اختیار گروه‌های مسلحی است که با هم در رقابت هستند.» درست همین‌ها در هفته‌های گذشته در جنگ‌های خونین خیابانی با یکدیگر نشان دادند که تا چه حد خشونت‌گرا هستند. طبق طرحی که در دست است باید در تحت چنین شرایطی تا ماه ژوئن انتخابات لیبی سازمان داده شود، به اعتقاد مارتین تحقق چنین امری به شدت ناممکن به نظر می‌رسد.

دست‌کم ۳۰۰ گروه با ۱۲۰ هزار مرد مسلح اختیار کشور را در دست دارند. شهر تریپولی را ۵۰ گروه مسلح بین خود تقسیم کرده‌اند. هر کس در منطقه خود به بلایی که بخواهد می‌تواند بر سر کسانی بیاورد که گفته شود هوادار قذافی بوده‌است. سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید با عده کثیری از این افراد، پس از آنکه دستگیر شدند، همان کاری را کردند که با قذافی و پسرانش کردند، آنها را به قتل رساندند.

تونی کارون، خبرنگار مجله تایمز نوشت: «(۲۰۱۲.۱.۴) ساکنان مناطق و محلاتی که هوادار قذافی محسوب می‌شوند سرنوشت تلخی دارند و مورد آزار و اذیت دائمی افراد مسلح هستند»

سازمان ملل متحد در نوامبر ۲۰۱۱ اطلاع یافت که هفت هزار نفر از «دشمنان جدید» کشور از جمله زنان و کودکان و عده کثیری سیاهپوست آفریقایی – احتمالا به دلیل رنگ پوست‌شان – دستگیر شده و مورد شکنجه و آزار سازمان‌یافته قرار گرفتند. ناوی پیلاي، نماینده سازمان ملل برای حفظ حقوق بشر، در پایان ژانویه ۲۰۱۲، تعداد زندانیان را ۸۵۰۰ نفر اعلام کرد. طبق تحقیقات «کمیته عدالت برای ناپدیدشدگان» که لیبیایی است، بیم آن می‌رود که ۳۵ هزار نفر دیگر نیز در مکان‌های مخفی زندانی باشند.

ماه‌هاست که سازمان عفو بین‌الملل و دیگر سازمان‌های حقوق بشری، مکرر در مکرر، دستگیری‌های انبوه، شکنجه‌ها و قتل‌های خودسرانه را افشا کرده‌اند. طبق اطلاعات سازمان عفو بین‌الملل عامل این جنایات از جمله خود واحدهای نظامی «به رسمیت شناخته شده» و «نیروهای امنیتی» بوده‌اند، یعنی نیروی ارتش و پلیس جدید که غرب امید زیادی به قدرتمند شدن آن دارد. زندانیان رها شده گزارش داده‌اند که آنها را با دست و پا بسته، آویخته و ساعت‌ها با کابل، زنجیر، چوب و شلاق می‌زدند و به آنها شوک الکتریکی می‌دادند؛ زخم‌ها و جراحاتی که بر بدن داشتند نشان صحت توصیفات آنان بود.

منبع: یونگه ولت